

حمایت انگلیس ها از رژیم خاندانی نادرشاه در سرکوبی قیام اقوام پکتیا (۴)

(از لابلای اسناد آرشیف انگلستان)

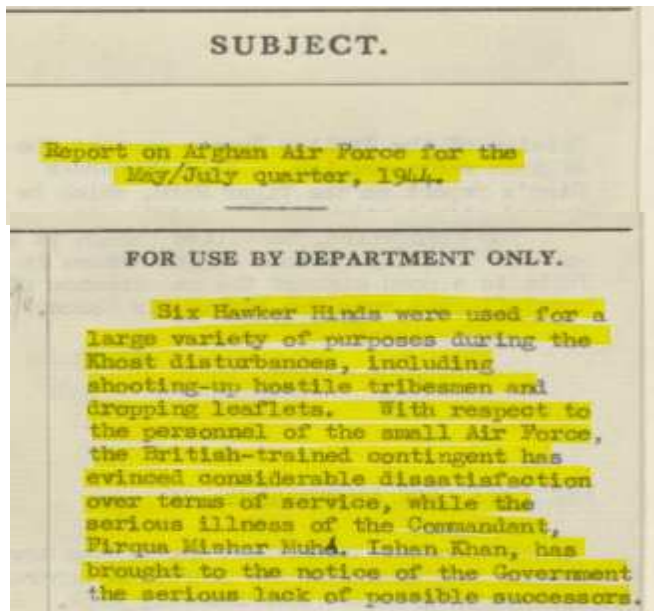
(پیوسته به گذشته)

استفاده از اسلحه مدرن و نیروی هوایی در حملات رژیم خاندانی بر افراد ملکی سمت جنوبی

بعد از آنکه حکومت خاندانی نادر شاه با دشمنی همه اقشار مردم منطقه مواجه شد، مجبور شد برای ایجاد رعب و ترس اقوام هردو طرف خط سرحدی از اقدامات شدید استفاده کند. برای این منظور نیروهای هوایی قلعه های خانواده ببرک زی را با خاک یکسان کرد و به بیست قلعه حامیان آنها هم رحمی نکرد.

در رابطه با استفاده از اسلحه مدرن و نیروی هوایی در حملات رژیم خاندانی بر افراد ملکی سمت جنوبی، علاوه بر اسناد آرشیف های روسیه و آلمان، که پروفیسور داکتر تیخانوف، شرق شناس پوهنتون لیپتسک، در کارهای تحقیقی خود به خصوص در مورد سیاست قدرت های بزرگ در افغانستان از آن استفاده کرده است و آقایان طاهر کانی و آریانفر آنرا به لسان های پشتو و دری ترجمه کرده اند، اسناد دست اول زیادی هم در آرشیف انگلستان موجود اند. درینجا به چند سندی از آن به مصداق «مشت نمونه خروار» اشاره میکنیم تا ببینیم که چگونه مردم فقیر، مظلوم و ناچار کشور ما توسط حاکمان دست نشانده، به کمک های مالی، اطلاعاتی، نظامی و تخنیکی حامیان خارجی شان مورد حملات عصری ترین و مدرن ترین سلاح ها و نیروهای هوایی آن وقت و زمان قرار گرفته است.

استفاده از نیروهای هوایی



در یکی ازین اسناد آرشیف انگلستان (راپور سه ماهه ماه می تا جولای ۱۹۴۴ آتشفش نظامی سفارت انگلستان در کابل راجع به قوای هوایی حکومت افغانستان) میخوانیم که «شش طیاره هاوکر هند در جریان ناآرامی های خوسنت برای مقاصد عمده مختلف از جمله کشتن دشمن و انداختن اعلامیه های اخطاریه استفاده شده است».

در همین راپور میخوانیم که «با توجه به پرسونل نیروی هوایی کوچک، گروه آموزش دیده بریتانیا نارضایتی قابل توجهی را در مورد شرایط خدمت نشان داده است، در حالیکه بیماری شدید قوماندان هوایی فرقه مشر محمد احسان خان، حکومت را متوجه کمبود جدی جانشینان احتمالی اش ساخته است».

نظر به اهمیت نقش قوای هوایی هم در کشف حرکات و تجمع غیرعادی مخالفین رژیم و هم در سرکوب آنها حکومت خاندانی برای تقویت قوای هوایی چندین بار به انگلیس ها مراجع نمودند.

تقاضای کمک تیل طیاره از انگلیس ها

یکی از مشکلاتی که رژیم خاندانی در استفاده از نیرو های هوایی با آن مواجه بود، کمبود ذخایر تیل بود. در یک سند دیگر درین رابطه مشاهده می کنیم که «در سه ماه اخیر ذخایر نفتی شیرپور و خواجه راوش افزایش یافته است... نفت از هند [بریتانوی] به آنجا رسیده و دو مخزن ذخیره میدان جلال آباد نیز پر شده است».

7. Aviation Petrol
(a) Stocks of petrol at Sherpur and Khwaja Rawash show a slight increase on the quarter, and supplies of petrol

بین ۳۰ ماه اپریل و ۳۱ جولای، حدود (۲۰۰۰) دو هزار گیلن پترول طیاره از شیرپور به گردیز فرستاده شد تا در عملیات طیاره ها علیه جدران از آن استفاده شود.

Para 7 Contd. Page 4.
from India are being delivered there, now that the two storage tanks at the Balalabad airfield have been filled.
(b) About 3000 gallons of aviation petrol from Sherpur was despatched to Gardes between 30th April and 31st July for use by aircraft during operations against the Zadran.
(c) The request made by the Afghan Govt in April for the delivery from India of 1000 gallons of aviation petrol at Laka Tigge (Map 38/K 8, 2142) was subsequently cancelled. It appears that at the time the request was made the road between Gardes and Matun in Khost was out by hostile tribesmen, and later re-opened by Govt troops.

در ماه اپریل درخواست حکومت افغانستان [از بریتانیا] برای تحویل دادن یکهزار (۱۰۰۰) گیلن پترول طیاره از هند به منطقه "لکه تیگه" لغو شد زیرا در زمان درخواست، سرک بین گردیز و خوست توسط افراد اقوام مخالف مسدود شده بود».

در یک سند دیگری آمده است که تمامی پرواز های آموزشی نیروی هوایی، به منظور جلوگیری از کمبود سوخت برای استفاده از طیاره ها علیه جدرانی های مخالف، ممنوع شده است.

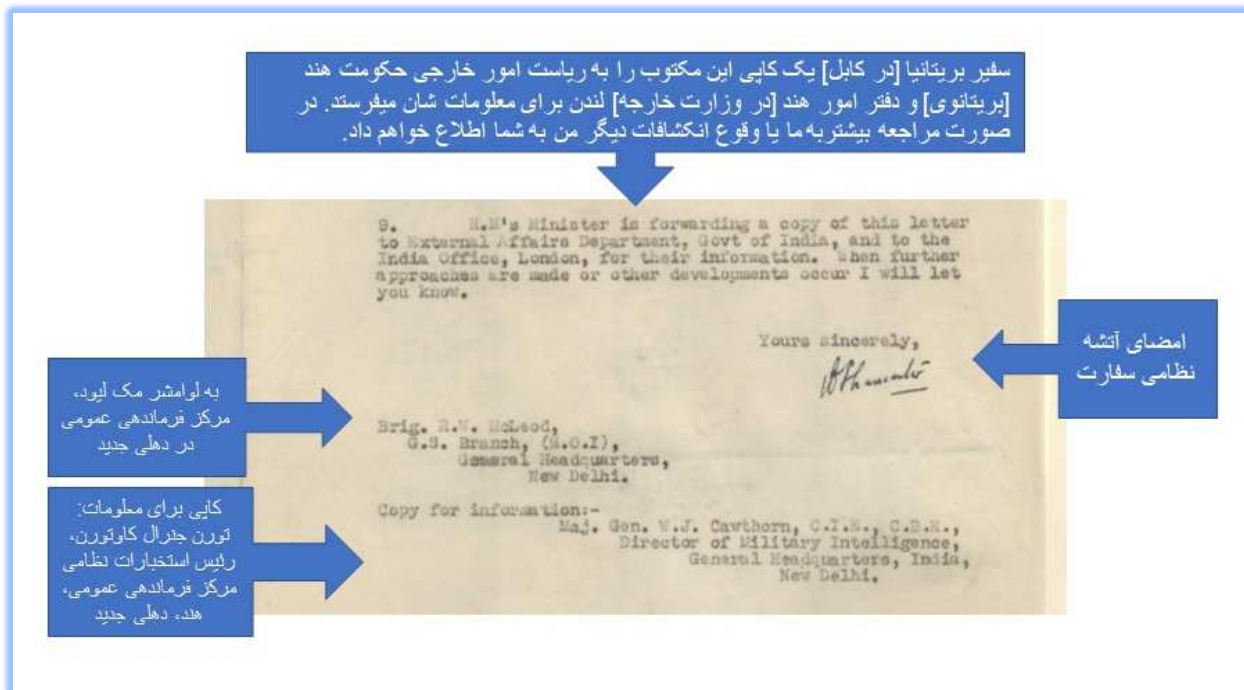
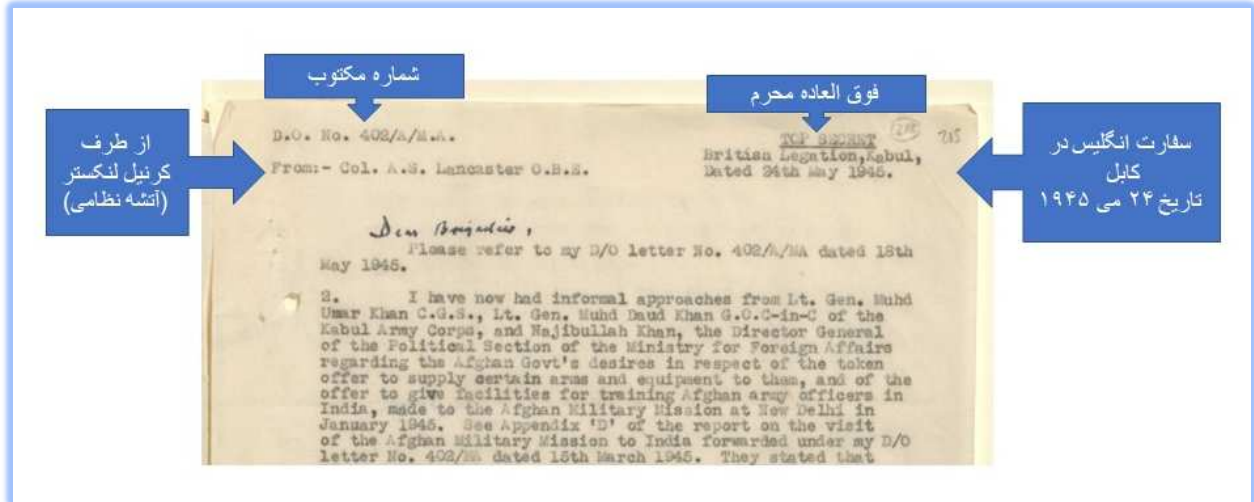


یک بمب افکن سبک دو نفری "هاوکر هند" ساخت نیروی هوایی سلطنتی انگلستان که در سال ۱۹۴۴ در افغانستان در بمباران قریه ها و خانه های فرزندان ببرک خان جدران و حامیان آنها مورد استفاده قرار گرفت.

تقاضای ارسال اسلحه و آموزش پنجاه نفر از صاحبمنصبان افغان در هند بریتانوی

درین قسمت نظر کوتاهی بر اسناد دوسیه شماره IOR/L/PS/12/2217 آرشیف انگلستان می اندازیم که حاوی مکتوب های فوق سری (اشد محرمانه) سفارت انگلستان در مورد تامین تسلیحات، تجهیزات نظامی و آموزش نیروهای افغان در هند بریتانوی میباشد. این مکاتیب ادامه بحثی میباشد که در دوران ماموریت یک هیئت نظامی افغانستان در هند آغاز یافته بود. این مکاتیب اساساً بین اداره امور خارجی حکومت هند بریتانوی، سفیر انگلیس در کابل (جی ایف سکوانیر G F Squire) و آتشه نظامی سفارت انگلستان در کابل (کرنیل الکساندر اسلاتر لنکستر)، دفتر خزانه، دفتر جنگ، و وزارت خارجه انگلستان تبادل شده اند. موضوع این اسناد رسمی فوق العاده محرمانه ترتیبات تامین سلاح و تجهیزات به ارزش (۳۰) سی لک روپیه به دولت افغانستان و ارائه آموزش افسران اردو و نیروی هوایی افغانستان در هند بریتانوی میباشد. این مکاتیب بحث مفصلی در مورد نیازهای نظامی افغانستان، ترتیبات مالی بین دولت افغانستان، حکومت هند و دولت بریتانیا و اهمیت افغانستان برای دفاع از هند و امپراتوری انگلستان میباشد، و ما نکات عمده و خلاصه یک مکتوب شش صفحه را درینجا به علاقمندان تاریخ معاصر کشور عزیزمان تقدیم می کنیم تا خود بخوانند و قضاوت کنند.

درین مکتوب شماره ۴۰۲ آتشه نظامی سفارت انگلستان در کابل، کرنیل لنکستر به تاریخ ۲۴ می ۱۹۴۵ به حواله مکتوب ۱۸ ماه می خود مینویسد که « من حالا در یک تقریب غیر رسمی از لوی درستیز قوای مسلح بگر جنرال محمد عمر خان، قوماندان قوای مرکز کابل بگر جنرال [سردار] محمد داؤد خان و رئیس بخش سیاسی وزارت خارجه نجیب الله خان [توروانا] از خواهش مربوط به عرضه اسلحه و تجهیزات به حکومت افغانستان و دادن تسهیلات آموزش صاحبمنصبان اردوی افغانستان داشتم که در دوران ماموریت نظامی در جنوری ۱۹۴۵ به دهلی جدید داده شده بود. ضمیمه شماره "د" راپور بازدید هیئت نظامی افغانستان از هند [بریتانوی] که تحت مکتوب شماره ۴۰۲/آتشه نظامی به تاریخ ۱۵ مارچ ۱۹۴۵ ارسال شده بود، دیده شود».



در فقره سوم این مکتوب میخوانیم که «به تاریخ ۲۲ می لوی درستیز قوای مسلح به من اطلاع داد که او حالا راجع به اسلحه و سامان آلات پیشنهادی حکومتش میتواند معلومات بیشتر بدهد و درخواست بیشتر رسمی آن به سفیر بریتانیا [در کابل] داده خواهد شد. دو لست ضروریات آنها آماده شده است، یکی مربوط به پیشنهاد نمونه داده شده به هیئت نظامی افغان در دوران بازدید شان در هند، که بصورت فوری ارسال شده میتواند، و دیگری لست طویل ضروریات تجهیزات جنگی که ارسال آن در طول مدت یک تا دو سال ممکن خواهد بود».

درین رابطه به اسلحه و تجهیزات آتی از منابع بریتانیا اشاره شده است :

1. هاوان سه (۳) انچه : حکومت افغانستان میخواهد پنجاه (۵۰) هاوان پیشنهاد شده را بگیرد. اینها را در بدل اسلحه قیمت تر توپخانه میخواهند چون بطور برجسته میتوان از آن برای دفاع یا حمله علیه افراد قبایل در سمت جنوبی و مقاصد امنیتی داخلی دیگر استفاده نمود.

2. ماشیندار های متوسط (نوع ویکرز ۳۰۳) : تعداد مورد نیاز شاید (۷۰۰) یا (۸۰۰) باشد، اما چون فعلا تعداد توپ های آماده برای تسلیم دهی (۶) و بسیار کم است، وزارت حربیه درین رابطه تا هنوز به تصمیم نهائی نرسیده، و در صورتی که در مدت یک سال تعداد بیشتر این نوع ماشیندار های متوسط عرضه شده بتواند، تعداد بیشتر آنرا میخوانند.
3. ماشیندار های خفیف (نوع ویکرز بیردئیر ۳۰۳) : خواهان ۱۵۰۰ ماشیندار پیشنهاد شده میباشد.
4. ماشیندار کارابین ۹ ملی متره: نمونه ماشیندار کارابین به تاریخ ۲۲ ماه می ۱۹۴۵ به وزارت حربیه داده شد. حکومت افغانستان بعد از مطالعه آن راجع به تعدادش تصمیم خواهد گرفت... آنها میخوانند ازین ماشیندار های سبک و کوتاه برای وظایف محافظت از لاری های باربری و قطار های عسکری استفاده کنند.
5. تفنگ های ۳۰۳: گفتند که تعداد (۲۰۰۰) دو هزار تفنگ برای ضرورت تسلیم دهی فوری بسیار کم و ناچیز بوده ... گرچه تعداد مورد ضرورت شانرا مشخص نکردند، من تخمین میکنم آنها به پانزده هزار (۱۵۰۰۰) تا بیست هزار (۲۰۰۰۰) تفنگ نیاز داشته باشند. چون نگهداری و ترمیم تفنگ در اردوی افغانستان بسیار خراب است، تقاضای ارسال اسلحه سازان برای آموزش در فابریکه های مهمات یا تاسیسات ترمیم به هند [بریتانوی] را گرفته ایم.
6. مرمی تفنگ ۳۰۳: برای من اطلاع داده شد که نیاز مرمی به تعداد تفنگ، و ماشیندار مربوط میشود... آنها به تخمین من ده تا بیست ملیون گلوله تفنگ را نیاز خواهند داشت.

(ادامه دارد)